

بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر عدم بازگشت به زندان در بین زندانیان استان خراسان جنوبی

تاریخ پذیرش: 1397/07/17

تاریخ دریافت: 1397/03/15

سهیلا ناصری،¹ زهره مکاریان فرگ،² سپیده حضرتی³

از صفحه 27 تا 50

چکیده

زمینه و هدف: مسایل زندان و زندانیان به عنوان یکی از آخرین ایستگاه‌های توقف مجرمان و بزهکاران، همواره دل‌مشغولی مسئولان قضایی، انتظامی و مدیران زندان‌ها بوده و هست که جا دارد از ابعاد گوناگون به موضوعات مربوط به کاهش و تقلیل جرایم پرداخته شود لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر عدم بازگشت به زندان در بین زندانیان استان خراسان جنوبی با تأکید بر آموزش‌های داخل زندان انجام شد.

روش‌شناسی: روش پژوهش، توصیفی- پیمایشی می‌باشد. جهت انتخاب نمونه پژوهش از بین کلیه زندانیان (زن و مرد) زندان‌های خراسان جنوبی که بازگشت مجدد به زندان داشته‌اند، به طور تصادفی تعداد 312 نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه دینداری گلاک و استارک؛ حمایت اجتماعی فیلیپس و همکاران، و پرسشنامه محقق ساخته که پنج بُعد (مشارکت اجتماعی، مشکلات روحی، کنترل و نظارت اجتماعی، یادگیری اجتماعی و سابقه بازداشت) را می‌سنجید استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد دینداری دارای ضریب همبستگی 0/059-، حمایت اجتماعی 0/122، کنترل اجتماعی با ضریب همبستگی 0/164، مشکلات روحی با ضریب همبستگی 0/064- و عدم مشارکت اجتماعی با ضریب همبستگی 0/128- می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد بازگشت زندانیان به زندان بیش از حد میانگین می‌باشد و بین حمایت اجتماعی (حمایت دوستان و در کل حمایت اجتماعی)، کنترل و نظارت اجتماعی، مشارکت اجتماعی زندانیان و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین دینداری، حمایت اجتماعی (بعد حمایت خانواده و افراد جامعه) و مشکلات روحی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: زندان، حمایت اجتماعی، کنترل و نظارت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عدم بازگشت زندانیان.

1- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)
s.nasari518@gmail.com

2- دانش آموخته دکتری تخصصی جامعه‌شناسی.

3- عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، ایران.

بیان مسأله

جرایم و مجازات‌ها در طول تاریخ بشری با فرهنگ، آداب و رسوم و باورها و اعتقادات هر جامعه‌ای همراه و هم‌نوا بوده است. در حقیقت این آداب و رسوم، باورها و اعتقادات دینی و هنجارهای اجتماعی هر جامعه‌ای بوده که مفاهیم و مقدار، شدت و ضعف تنبیهات و مجازات‌ها را تعیین می‌کرده است و در هر تمدن و فرهنگی نیز جرایم تخطی و تجاوز به قوانین و هنجارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی آن جامعه به شمار می‌آمده است (ابولپور همایی، 1392: 35). در واقع هر جا قانون وجود دارد جرم نیز هست. زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از شیوه رفتاری که قانون را نقض کند (گیدنز، 1386: 152). تارد، جرم را تجاوز به حق و وظیفه می‌داند. جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی، مخالفت با آداب و سنن اجتماعی را جرم تلقی می‌کنند (کفاشی و اسلامی، 1388: 58).

زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند بسیار مخرب و ناامیدکننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند (حاتمی‌خواجه، 1386: 95).

امروزه ازدحام جمعیت زندان‌ها مشکلی جدی در کلیه جوامع ایجاد کرده به گونه‌ای که به انحاء مختلف دستاوردهای تأدیبی، اصلاحی و تربیتی را مخدوش کرده در بسیاری از کشورهای جهان جمعیت بالای زندانی و ازدحام ناشی از آن جز تحمیل، هزینه‌های گزاف، اختلال در نظم عمومی زندان، درگیری، شورش، اعتصاب و ... ثمره‌ای نداشته و متولیان این امر را بر آن داشته که به اقداماتی دست بزنند تا جمعیت زندان‌ها کاهش یابد (طباطبایی‌راد، 1391: 43).

از جمله برنامه‌هایی که می‌تواند در اصلاح و تربیت زندانیان و نوتوانی زندانیان دخیل باشد، افزایش و ارتقاء سطح دانش، مهارت‌های فردی و اجتماعی، حرفه‌آموزی، تخصص، آگاهی و بینش نسبت به شخصیت و نفس خود، و برقراری رابطه سالم با خود و محیط پیرامون، خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌باشد (شمس، 1382: 131).

بارکینت، دوران و اسمیت¹ (2004)؛ به نقل از صادقی، مسن‌آبادی و عسگری، (1389)، بیان می‌نمایند که ارتباط اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی یک نقش سازنده در رشد سلامت روانی، ارتباط‌های فرد، موفقیت تحصیلی، شغلی، اجتماعی و ... دارند. ناتوانی برای تغییر رفتار در رابطه با نیازهای متغیر معمولاً منجر به اختلال عملکرد اجتماعی می‌شود. به گفته جان می (2002)؛ به نقل از صادقی و همکاران، (1389)، وجود مهارت‌های اجتماعی در زندگی موجب تعامل بیشتر افراد با یکدیگر، که شاخص مهمی در سلامت روانی آنان در آینده خواهد شد، می‌شود. آلپوره‌مایی (1392) نیز در مطالعه‌ای نشان داد بین متغیرهای مستقل (تغییر نگرش زندانیان، تعامل زندانیان با یکدیگر؛ نوع جرم ارتكابی زندانیان؛ تعهد به امور جاری زندگی و خانواده) با متغیر وابسته (امید به بازگشت به جامعه) رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیرهای مستقل (کنترل‌های اجتماعی و سوابق کیفری زندانیان) با متغیر وابسته امید به بازگشت زندانیان رابطه غیرمعناداری وجود دارد. همچنین کفاش و اسلامی (1388) در تحقیقی نشان دادند می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندان‌ها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات‌دهی مؤثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیررسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام مؤثری انجام داد. با توجه به مطالب بیان شده و با توجه به اینکه جامعه بین‌الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که زندان نمی‌تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و بارها اعلام شده که در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، 1385: 45). از طرفی هدف از زندانی کردن افراد این است که در مدتی که در فضای زندان قرار دارند اصلاح شوند و درک کنند که ارتکاب جرم عملی اشتباه بوده است و نیز مهارت‌هایی به آنها آموخته شود تا پس از آزادی، یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند و مرتکب جرم مجدد نشوند و همچنین هدف متولیان فرهنگی این است که با اقدامات فرهنگی، عقیدتی و مهارتی و روانشناسی در روند کاهش زندانیان

1 -Barking, Doran & Smit

مؤثر واقع گردند. بنابراین با توجه به علل و عوامل گوناگون و مؤثر بر عدم بازگشت به زندان و اهمیت این مسأله، در پژوهش حاضر محقق به بررسی این سوالات می‌پردازد: آیا دینداری، یادگیری اجتماعی، حمایت اجتماعی، کنترل اجتماعی، مشکلات روحی زندانیان و میزان مشارکت زندانیان در فعالیتهای گروهی در عدم بازگشت به زندان نقش دارد؟

مبانی نظری

بازگشت به زندان: در تعریف بازگشت به زندان باید چنین گفت که بزهکاری نوعی انحراف از هنجارهای اجتماعی است که به طور رسمی مهم تلقی شده و زندانیان کسانی هستند که از هنجارهای رسمی و قانونی تخطی کرده‌اند. اعتقاد بر این است که «این جامعه است که شرایط را برای بروز جرم و ناهمواری‌های اجتماعی فراهم می‌سازد»، لذا باید برای بازدارندگی مجرمان راه حلی در جامعه جستجو کرد. ارتکاب جرم دو مسئله مهم را مطرح می‌کند: یکی ارتکاب اولیه جرم و دیگری تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان. بازگشت به زندان در مقوله انحراف ثانویه است (بهروان و بهروان، 1390: 34-36).

دینداری: دینداری به معنای داشتن اهتمام دینی است به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد (همیل فارب، 1975؛ به نقل از حسن‌پور و معمار، 1394: 111).

یادگیری اجتماعی: فرآیندی است که طی آن، رفتارها -خوب و بد، بهنجار و نابهنجار آموخته می‌شوند. پس از دوران کودکی، از طریق ارتباط اجتماعی با والدین، رسوم، آداب فرهنگی و رفتارهای قابل قبول، جامعه‌پذیر می‌شویم. همچنین انواع هیجانات چون ترس‌ها و حب و بغض‌ها را نسبت به افراد و ارزش‌ها و نهادها و امور اجتماعی و شخصی در جامعه می‌آموزیم. این فرآیند، عبارت است از یادگیری اجتماعی (آذربایجانی و همکاران، 1390: 40).

حمایت اجتماعی: کوب حمایت اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «اعتقاد شخصی که در نتیجه آن، فرد دوست داشته می‌شود، مورد احترام قرار می‌گیرد و ارزشمند می‌شود و به یک شبکه اجتماعی و تعهدات متقابل وصل می‌شود». در تعریف حمایت اجتماعی می‌توان بین کیفیت حمایت دریافت شده (رضایت) و تأمین حمایت اجتماعی

تفاوت قائل شد. اغلب مطالعات بر اندازه‌گیری حمایت دریافت شده استوار شده‌اند. همچنین می‌توان بین حمایت دریافت شده و انتظارات در زمان نیاز و بین حمایت خاص و حمایت عمومی تفاوت قائل شد (باوی، 1383: 33).

کنترل و نظارت اجتماعی: نظارت اجتماعی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود. «جولیوس گولد» و همکارش، نظارت را چنین تعریف نموده‌اند: کنترل اجتماعی مشروط و محدود شدن رفتار و اعمال فرد یا افراد مورد کنترل به اهداف و هنجار جامعه می‌باشد. گولد معتقد است که: اگر این کنترل با نهادینه شدن هنجارها در فرد صورت پذیرد، جزء کنترل درونی محسوب می‌گردد، ولی اگر صرفاً از طریق افراد جامعه بر کسی اعمال گردد، آن را کنترل بیرونی می‌نامند. «هومنز» چنین نوشته است: «فرآیندی که از طریق آن رفتار شخصی (یا اشخاصی) که از مرتبه رعایت هنجار عدول کرده، دوباره به همان مرتبه اعاده داده می‌شود و هرگاه به کلی از هنجار عدول کند، مجدداً به رعایت کامل هنجار سوق داده شود» (غفاری فر، 1389: 91).

مشکلات روحی زندانیان: بررسی‌ها نشان می‌دهند اضطراب و افسردگی از شایع‌ترین اختلالات روحی و روانی در زندانیان کشور است. اضطراب و افسردگی گرچه جزء بیشترین اختلالات روحی و روانی در بین زندانیان است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد این امر بیشتر متوجه محکومان مالی است. اختلالات شخصیتی نیز یکی از شایع‌ترین مشکلات روحی و روانی زندانیان است. با توجه به این که محکومان مالی ذاتاً مجرم نیستند بنابراین محیط زندان و همچنین فکر خانواده و فرزندان برای آنان آزاردهنده می‌شود و همین امر عاملی می‌شود تا در مدت زمان کوتاهی دچار ناراحتی‌های روحی و روانی شوند. به نظر می‌رسد زندانیان و تبه‌کاران به علت اختلالات شخصیتی زمینه‌ای و اثر محیط زندان در این مورد آسیب‌پذیری خاصی داشته باشند (صدری مقدم، 1394).

مشارکت اجتماعی: مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگیشان تأثیر قاطع بگذارند، به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. آلن پیرفیت در دیباچه اثر دسته‌جمعی و مشارکت چیست می‌نویسد: مشارکت مورد مشورت قرار گرفتن قبل از تصمیم‌گیری را

گویند به نحوی که اظهار نظر شخصی و اعمال مراقبت در جریان اجرایی این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد. یک قرن و اندی سال پیش استوارت میل نوشت: تنها حکومتی می‌تواند جلوگیری همه ضرورت‌های دولت اجتماعی باشد که همه افراد ملت با آن مشارکت داشته باشند (انصاری، 1379: 36).

نظریه کنترل

این نظریه انحرافات را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می‌داند. برخلاف سایر نظریات انحراف که با این سوال آغاز می‌کنند چرا مردم منحرف می‌شوند؟ نظریه کنترل با این پرسش آغاز می‌کند که چرا در ابتدا مردم هم نوا می‌شوند؟ طرفداران این نظریه چنین پیشنهاد می‌کنند که باید به انحراف و نه هم‌نوایی توجه داشت زیرا زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است و برخی اعمال انحرافی کاملاً سودمندند. مردم فقط به این دلیل هم‌نوایی می‌کنند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل نماید و اگر چنین کنترل نبود ممکن است هم‌نوایی کمی وجود داشته باشد (رابرتسون، 1377: 175).

نظریه فشار¹ عمومی

اگنیو انحراف را نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور می‌داند که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید. منابع فشار از نظر اگنیو عبارتند از؛ 1- فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در نتیجه 2- حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت در افراد 3- فشار در اثر وجود انگیزه‌های منفی. در نهایت بنابر استدلال اگنیو افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه را مرتکب شوند. با وجود منابع حمایتی فشار وارد شده از منابع سه‌گانه فوق به فرد تقلیل یافته و احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی از جانب وی کاهش می‌یابد (دلپسند، ایار، خانی و خان محمدی، 1391: 99)

نظریه پیوند افتراقی¹

ادوین. اچ. ساترلند از اعضای مکتب شیکاگو جرم را به آنچه تفاوت ارتباطات نامیده است مربوط می‌داند. مفهوم تفاوت ارتباطات بسیار ساده است، در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون متعددی است برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتیکه محیط‌های دیگر چنین نیستند، افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند بزهکار یا تبهکار می‌شوند. به نظر ساترلند اکثر رفتار بزهکارانه درون گروه‌های نخستین بویژه گروه همسالان فراگرفته می‌شود (گیدنز، 1386: 140). ساترلند در نظریه فراوانی معاشرت نشان می‌دهد که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی و محیط اجتماعی آلوده به فساد یاد گرفته می‌شود و به وقوع می‌پیوندد. بحث ارتباط با گروه‌های بزهکار از این نظر مطرح می‌شود که معمولاً آنها در محله‌های آسیب‌زا و محروم از نظر اقتصادی زندگی می‌کنند که فاقد امکانات لازم برای یک محله شهری مانند فرهنگ‌سرا، ورزشگاه و سایر مکان‌های فرهنگی هنری و ورزشی می‌باشد، در نتیجه افراد به علت ارتباط بیشتر با گروه‌های بزهکار، این اعمال را یاد می‌گیرند.

نظریه سرایت و جبران کریزبرگ

بر مبنای نظریه کریزبرگ² رضایت یا نارضایتی از بخشی از زندگی به سایر بخش‌های زندگی تعمیم یافته و آن بخش را نیز متأثر می‌نماید. بر مبنای تئوری سرایت، باید انتظار داشت افرادی که در یک زمینه محروم می‌شوند بدون جبران و اصلاح رضایت در آن بخش نارضایتی خود را از یک محدوده نارضایتی به محدوده دیگر نارضایتی تعمیم خواهد داد. به عنوان مثال نارضایتی از ارضاء نیازها باعث خواهد شد تا سایر بخش‌های زندگی از جمله شغل، درآمد و... را نیز متأثر نموده و به سوی نارضایتی از آن بخش‌ها سوق یابد. در مقابل رضایت یک بخش از زندگی مانند درآمد باعث خواهد شد تا این خشنودی سایر ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی خشنودی از آن بخش‌ها در فرد بوجود بیاورد. در ادامه نیز تئوری جبران را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد

1- differential association

2 -Karezbarg.

که شخصی که در یک زمینه از زندگی خود ناراضی است به دنبال کسب رضایت در زمینه‌های دیگر زندگی برمی‌آید (صفدری، 1374: 37-38؛ به نقل از محتشم، 1394).

پیشینه پژوهش

- ابولپور (1392) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر امید به بازگشت به جامعه در بین زندانیان جوان زندان بندرعباس» نشان داد که بین متغیرهای مستقل (تغییر نگرش زندانیان، تعامل زندانیان، تعامل زندانیان با یکدیگر، نوع جرم ارتكابی زندانیان، تعهد به امور جاری زندگی و خانواده) با متغیر وابسته (امید به بازگشت به جامعه) رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیرهای مستقل (کنترل‌های اجتماعی و سوابق کیفری زندانیان) با متغیر وابسته رابطه غیرمعناداری وجود دارد.
- زارعی (1389) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر همدان (با تأکید بر عامل خانواده، اولیای مدرسه و گروه دوستان)» که نتایج پژوهش نشان می‌دهد فروپاشی کانون خانواده، تنبیه و گذراندن اوقات فراغت با دوستان بزهکار بیشترین تأثیر را در بزهکاری نوجوانان شهر همدان داشته است.
- کفاشی و اسلامی (1388) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی»؛ براساس نتایج این پژوهش می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندان‌ها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات‌دهی مؤثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیررسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام مؤثری انجام داد.
- مهدوی و پاکیده (1387) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان» که یافته‌های آن نشان می‌دهد بین عوامل فردی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، شغل و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد و همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش

توسط محیط اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. بعبارتی هر چه میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و محیط اجتماعی در پذیرش زندانی بعد از آزادی کمتر باشد میزان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود.

— موسی‌زاده (1385) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل بازگشت مجدد به زندان در استان کرمانشاه» نشان داد وضعیت اشتغال زندانیان بعد از خروج از زندان، نقش ادارات، مراقبت پس از خروج، کمک به زندانیان در گذراندن دوره‌های مهارت‌آموزی در داخل زندان می‌تواند به نحو مؤثر برای فردی که از زندان مرخص شده مفید و تعیین‌کننده باشد.

— در پژوهشی که هافمن¹ (2003) در زمینه بزهکاری انجام داد، دریافت نوجوانانی که در خانواده‌هایی به سر می‌برند که وقایع استرس‌زا را تجربه می‌کنند و همچنین والدین آنها نظارت کمی بر اعمال و رفتار آنان دارند، احتمال این‌که به رفتارهای بزهکارانه سوق یابند، بیشتر است.

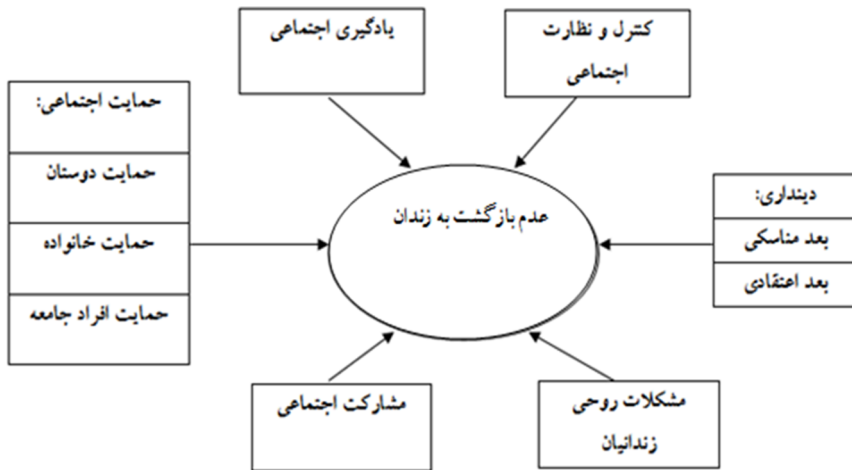
— ساکر، آیدین، رمزی، یاسر و سلیمان² (2005) در پژوهشی که 165 نوجوان مجرم را از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار دادند، دریافتند که اغلب نوجوانان بزهکار دارای خانواده‌های پرجمعیت، نابسامان، مهاجر و به لحاظ اقتصادی و آموزشی در سطح پایینی هستند و کنترل و نظارت کافی در خانواده آنان وجود ندارد.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به نظریه‌های مطرح شده و پیشینه تحقیق، می‌توان مدل مفهومی این پژوهش را به این صورت طراحی کرد:

1- Hoffmann

2- Sakir, Aydin, Remzi, Yasar & Suleyman



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- پیمایشی است و از نظر تأثیر متغیرها بر یکدیگر یک پژوهش علی (پس رویدادی) محسوب می‌شود. در این پژوهش بعد از کسب اطلاع از تعداد زندانیانی که بازگشت مجدد به زندان داشته‌اند، تعداد 312 نفر بطور تصادفی انتخاب شدند و آنها به پرسشنامه دینداری گلاک و استارک (1965)؛ حمایت اجتماعی فیلیپس و همکاران و پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دادند. روایی محتوا با استفاده از نظر متخصصان و صاحب نظران مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در بُعد مشارکت اجتماعی 0/79، مشکلات روحی 0/72؛ کنترل و نظارت اجتماعی 0/74؛ یادگیری اجتماعی 0/83 و بازگشت به زندان 0/70 به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: یافته‌های حاصل از اطلاعات جمعیت‌شناختی، نشان داد که از بین 132 نفر نمونه پژوهش، 67 نفر زن و 245 نفر را مردان تشکیل دادند. از نظر تحصیلات، 14/4 درصد پاسخگویان بی‌سواد، 34 درصد دارای تحصیلات ابتدایی، 34 درصد سیکل و 14 درصد دیپلمه و 1 درصد لیسانسه و بالاتر می‌باشند. بیشترین فراوانی مربوط به سیکل‌ها، بوده است. در این پژوهش بیشترین فراوانی پاسخگویان در گروه

سنی 35 سال برابر با 25 نفر می‌باشد پایین‌ترین سن پاسخگو 14 سال و بالاترین 60 سال می‌باشد. از نظر شغل، 5/8 درصد فرهنگی یا کارمند؛ 4/8 درصد راننده؛ 54/8 درصد کارگر؛ 18/9 درصد کشاورز یا دامدار و 15/7 درصد سایر مشاغل را داشته‌اند. که 16 نفر جوشکار و تراشکار؛ 20 نفر خانم‌ها خانه‌دار، 5 نفر آرایشگر، 5 نفر بیکار و 1 نفر هم خیاط بوده است. در توزیع فراوانی ابعاد بازگشت به زندان 119 نفر (38/1) بین دو تا سه بار؛ 84 نفر (26/9) بیشتر از سه بار دستگیر شده بودند. در سابقه بازگشت به زندان با استفاده از تحلیل خوشه‌ای آنها که کمتر از 5 سال سابقه دارند در گروه کم (187 نفر)، بین 5 تا 10 سال سابقه متوسط (76 نفر) و بیشتر از 10 سال سابقه زیاد (79 نفر). از لحاظ جنسیت و سابقه بازگشت به زندان مردان 144 نفر و زنان 43 نفر کم سابقه و 46 نفر از مردان و 12 نفر از زنان در حد متوسط سابقه بازگشت به زندان داشتند. میانگین ابعاد دینداری در بُعد اعتقادی 29/98؛ بُعد مناسکی 26/94 و در کل 56/91 بدست آمد. با استفاده از تحلیل خوشه‌ای زندانیان بر اساس سطح دینداری در سه گروه قرار گرفته‌اند: خوشه اول با میانگین سطح دینداری 11/5 شامل 9 نفر، خوشه دوم 25 نفر با دینداری متوسط، میانگین 23/5 و در نهایت خوشه سوم با سطح دینداری زیاد متشکل از 278 نفر با میانگین 35. اکثر زندانیان (278 نفر) یعنی 89/1 درصد افراد دارای سطح دینداری بالایی می‌باشند. با استفاده از تحلیل خوشه‌ای زندانیان بر اساس حمایت اجتماعی در سه گروه قرار گرفته‌اند: خوشه اول با میانگین حمایت اجتماعی 19/16 شامل 30 نفر، خوشه دوم 255 نفر با حمایت اجتماعی متوسط با میانگین 38/5 و در نهایت خوشه سوم با حمایت اجتماعی زیاد متشکل از 27 نفر با میانگین 57/5 می‌باشند. در بُعد حمایت اجتماعی میانگین حمایت دوستان 18/57؛ حمایت خانواده 21/75؛ حمایت افراد جامعه 19/83 و میانگین کل 60/15 بدست آمد که بیشترین میانگین مربوط با حمایت خانواده است. تحلیل خوشه‌ای سطح کنترل اجتماعی زندانیان نشان داد خوشه اول که سطح کنترل اجتماعی کم داشته‌اند 18 نفر برابر با میانگین 5/83 می‌باشند. خوشه دوم به تعداد 204 با میانگین 11/5 و در نهایت خوشه سوم که سطح نظارت و کنترل اجتماعی بالایی داشته‌اند 90 نفر برابر با میانگین 17/5 می‌باشند. تحلیل خوشه‌ای مشارکت اجتماعی زندانیان نشان داد: خوشه اول که مشارکت اجتماعی کم داشته‌اند 28 نفر برابر با میانگین 5؛ خوشه دوم به تعداد

237 و میانگین 10 هستند و در نهایت خوشه سوم که مشارکت اجتماعی بالایی داشته- اند 47 نفر برابر با میانگین 15 می‌باشند.

یافته‌های استنباطی

در این پژوهش فرض شده بود که عوامل اجتماعی و فرهنگی بر عدم بازگشت به زندان نقش دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t استفاده شد.

فرضیه اول: بازگشت زندانیان به زندان بیش از حد میانگین است.

جدول 1- نتایج آزمون تی تک متغیره

تعداد	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین	تفاضل میانگین	انحراف معیار
312	36/68	311	0/00	1/56	0/750	0/042

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد با توجه به $t = 36/68$ ، درجه آزادی 311، در سطح معنی دار (0/000) که کوچکتر از $p = 0/05$ است، فرضیه صفر رد می‌شود یعنی با احتمال 95 درصد می‌توان گفت که میزان بازگشت زندانیان به زندان بیش از حد میانگین است.

فرضیه دوم: بین میزان دینداری و عدم بازگشت زندانیان به زندان از نظر آماری رابطه معناداری وجود دارد.

جدول 2- ماتریس همبستگی بین ابعاد دینداری و بازگشت به زندان

دینداری	بازگشت به زندان	بعد اعتقادی	بعد مناسکی
-0/059	1	-0/109	-0/018
0/316	بازگشت به زندان	0/066	0/756
312	تعداد	312	312
**0/858	ضریب همبستگی	1	**/626
0/000	سطح معنی داری	0/066	0/000
312	تعداد	312	312
**0/938	ضریب همبستگی	-0/018	1
0/000	سطح معنی داری	0/756	0/000
312	تعداد	312	312
1	ضریب همبستگی	-0/059	**0/938
312	سطح معنی داری	0/316	0/000
312	تعداد	312	312

طبق نتایج جدول (2) بُعد اعتقادی با توجه به $0/109$ برابر با $p=0/066$ از سطح معنی‌داری آزمون ($0/05$) بیشتر است که فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی بین بُعد اعتقادی دینداری افراد و بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. و بُعد مناسکی با $0/018$ برابر با $p=0/765$ از سطح معنی‌داری آزمون ($0/05$) بیشتر است که فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی بین بُعد مناسکی دینداری افراد و بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

و در کل تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون پیرسون نشان دادند که دینداری با ضریب همبستگی $0/059$ برابر با $p=0/316$ ، از سطح معنی‌داری آزمون ($0/05$) بیشتر است که فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی بین سطح دینداری افراد و بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

فرضیه سوم: بین یادگیری اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه وجود دارد.

جدول 3- همبستگی بین یادگیری اجتماعی و بازگشت به زندان

یادگیری اجتماعی		
-115	ضریب همبستگی	
0/055	سطح معنی‌داری	بازگشت به زندان
312	تعداد	

بر این اساس همبستگی بین یادگیری اجتماعی و بازگشت به زندان برابر -115 می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار احتمال برابر $0/055$ و بزرگتر از سطح معناداری یعنی $0/05$ است پس فرضیه صفر رد می‌شود یعنی همبستگی بین دو متغیر معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین یادگیری اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد و با توجه به منفی بودن ضریب همبستگی باید گفت این رابطه معکوس می‌باشد یعنی هر چه میزان یادگیری اجتماعی کمتر باشد احتمال عدم بازگشت به زندان بیشتر است.

فرضیه چهارم: بین حمایت اجتماعی و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه وجود دارد.

جدول 4- ماتریس همبستگی بین ابعاد حمایت اجتماعی و بازگشت به زندان

حمایت اجتماعی	حمایت افراد جامعه	حمایت خانواده	حمایت دوستان	بازگشت به زندان	
0/122	0/015	0/110	0/134	1	ضریب همبستگی بازگشت به زندان
0/040	0/805	0/063	0/023		سطح معنی داری
287	287	287	287	287	تعداد
0/753**	0/501**	0/303**	1	0/134*	ضریب همبستگی
0/000	0/000	0/000		0/023	سطح معنی داری
312	312	312	312	312	تعداد
0/804**	0/426**	1	0/303**	0/110	ضریب همبستگی
0/000	0/000		0/000	0/063	سطح معنی داری
312	312	312	312	312	تعداد
0/764**	1	0/426**	0/501**	0/015	ضریب همبستگی
0/000	0/000	0/000	0/000	0/805	سطح معنی داری
312	312	312	312	312	تعداد
1	0/764**	0/804**	0/753**	0/122*	ضریب همبستگی
	0/000	0/000	0/000	0/040	سطح معنی داری
312	312	312	312	312	تعداد

طبق جدول شماره (4) ماتریس همبستگی، تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که ضرایب همبستگی حمایت دوستان، برابر 0/134 با p - مقدار (معنی داری) برابر 0/023 که از سطح معنی دار آزمون (0/05) کمتر است، فرضیه تأیید می‌شود و باید گفت بین حمایت دوستان و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی داری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که ضرایب همبستگی حمایت خانواده برابر 0/110 با p - مقدار (معنی داری) برابر 0/063 می‌باشد که از سطح معنی دار آزمون (0/05) بیشتر است، بنابراین فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی بین حمایت خانواده و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی داری وجود ندارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که ضرایب همبستگی حمایت جامعه برابر 0/015 با p - مقدار (معنی داری) برابر 0/815 می‌باشد که از سطح معنی دار

آزمون (0/05) بیشتر است، بنابراین فرضیه پژوهش رد می‌شود. یعنی بین حمایت افراد جامعه و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

و در کل رابطه بین حمایت اجتماعی با ضریب همبستگی 0/122 با p - مقدار (معنی‌داری) برابر 0/040 که از سطح معنی‌داری آزمون (0/05) کمتر است، تأیید می‌شود. یعنی بین حمایت اجتماعی و بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. فرضیه پنجم: بین کنترل اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه وجود دارد.

جدول 5- همبستگی بین کنترل اجتماعی و بازگشت به زندان

کنترل و نظارت اجتماعی		
**0/164	ضریب همبستگی	
0/005	سطح معنی‌داری	بازگشت به زندان
312	تعداد	

تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق آزمون پیرسون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر کنترل اجتماعی و بازگشت به زندان برابر 0/164 با p - مقدار (معنی‌داری) برابر 0/005 می‌باشد، که مساوی با سطح معنی‌داری $\alpha = 0/05$ است، لذا در این سطح فرض یعنی عدم وجود رابطه رد می‌شود و در نتیجه بین کنترل و نظارت اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در ضمن مثبت بودن ضریب همبستگی نشان از وجود رابطه مستقیم بین این دو متغیر است.

فرضیه ششم: بین مشکلات روحی زندانیان به عنوان یکی از عوامل جامعه‌شناختی بر عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه وجود دارد.

جدول 6- همبستگی بین مشکلات روحی و بازگشت به زندان

مشکلات روحی زندانیان		
-0/064	ضریب همبستگی	
0/280	سطح معنی‌داری	بازگشت به زندان
312	تعداد	

تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول (6) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر مشکلات روحی و بازگشت به زندان برابر با -0/064 با مقدار $p = 0/280$ که از سطح معنی‌داری (0/05) بیشتر است، این نتیجه فرضیه صفر را تأیید و فرضیه پژوهش را

رد می‌کند یعنی به احتمال 0/95 می‌توان گفت بین مشکلات روحی زندانیان به عنوان یکی از عوامل جامعه‌شناختی و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه وجود ندارد. فرضیه هفتم: بین عدم مشارکت زندانیان در فعالیت‌های گروهی و عدم بازگشت به زندان رابطه وجود دارد.

جدول 7- همبستگی بین مشارکت اجتماعی و بازگشت به زندان

مشارکت اجتماعی		
0/128*	ضریب همبستگی	
0/030	سطح معنی داری	بازگشت به زندان
287	تعداد	

تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول (7) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر مشارکت اجتماعی زندانیان و بازگشت به زندان برابر با 0/128- با مقدار $p=0/030$ که از سطح معنی‌داری (0/05) کمتر است، این نتیجه فرضیه صفر را رد و فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند یعنی به احتمال 0/95 می‌توان گفت بین میزان مشارکت اجتماعی زندانیان و عدم بازگشت به زندان رابطه معناداری وجود دارد. منفی بودن ضریب همبستگی حکایت از رابطه معکوس بین دو متغیر دارد. یعنی به هر میزان مشارکت اجتماعی زندانیان بیشتر باشد احتمال بازگشت به زندانشان کمتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر عدم بازگشت به زندان در بین زندانیان استان خراسان جنوبی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد میزان بازگشت زندانیان به زندان بیش از حد میانگین است. بین سطح دینداری (بعد مناسکی و اعتقادی) افراد و بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین یادگیری اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد (یعنی هر چه میزان یادگیری اجتماعی کمتر باشد احتمال عدم بازگشت به زندان بیشتر است).

بین حمایت اجتماعی (حمایت دوستان) و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. و بین ابعاد حمایت خانواده و حمایت افراد جامعه و عدم بازگشت به زندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

بین کنترل و نظارت اجتماعی و عدم بازگشت به زندان رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. بین مشکلات روحی زندانیان و عدم بازگشت زندانیان به زندان رابطه وجود ندارد.

بین میزان مشارکت اجتماعی زندانیان و عدم بازگشت به زندان رابطه منفی معناداری وجود دارد (هر میزان مشارکت اجتماعی زندانیان بیشتر باشد احتمال بازگشت به زندانشان کمتر است).

نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق ابوالپور (1392) که نشان داد بین تغییر نگرش زندانیان، تعامل زندانیان، تعامل زندانیان با یکدیگر، نوع جرم ارتكابی زندانیان، تعهد به امور جاری زندگی و خانواده با امید به بازگشت به جامعه رابطه معناداری وجود دارد و کنترل‌های اجتماعی و سوابق کیفری زندانیان با امید به بازگشت به زندان رابطه غیرمعناداری وجود دارد. همسو و هم جهت است همچنین با پژوهشات صانعی و همکاران (2015)؛ خرمی و همکاران (2015)؛ زارعی (1389) و کفاش و همکار (1388) هم‌خوان و هم راستا است. نتایج تحقیق مهدوی و پاکیده نیز نشان داد که بین عوامل فردی از قبیل سن، جنس، تحصیلات، شغل و بازگشت مجدد به زندان رابطه وجود دارد و همچنین بین میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و عدم پذیرش توسط محیط اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد. عبارتی هر چه میزان اعتماد اجتماعی، عدم پذیرش در خانواده و محیط اجتماعی در پذیرش زندانی بعد از آزادی کمتر باشد میزان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود که هم جهت با نتایج تحقیق حاضر است.

روشن است که افرادی که قوانین و هنجارهای جامعه را زیرپا می‌گذارند طبق مجازات پیش‌بینی شده در این قوانین روانه زندان می‌گردند، ذکر این مسأله ضروری است که آیا هدف، نگهداری بزهکاران در محیط بسته و محدوده‌ای به نام زندان است که راهبردش فقط محدود کردن آنها از حقوق شهروندی و آزادی‌های رایج در جامعه است یا اینکه هدف، مبتنی بر اصولی جهت اصلاح و تربیت زندانیان و تغییر در تفکر و نگرش آنها نسبت به قوانین حاکم بر جامعه و بازگشت مجدد آنها به جامعه است. هدف یک نظام زندانبانی مبتنی بر رویکرد اصلاحی و تربیتی است تا از این طریق ضمن جلوگیری از تحمل مشکلات روانی اجتماعی به آنها زمینه بازگشت مجرمان را به جامعه فراهم آورد. برنامه‌هایی که می‌تواند در اصلاح و تربیت زندانیان و نوتوانی آنها دخیل باشد، افزایش و ارتقاء سطح دانش، مهارت‌های فردی و اجتماعی، حرفه آموزشی، تخصص،

آگاهی و بینش نسبت به شخصیت و نفس خود، و برقراری رابطه سالم با خود و محیط پیرامون، خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌باشد. بزهکاری که دچار تحول شخصیت شده و اندیشه و تفکر او معنوی و سازنده گردد، بدون شک به سوی زندگی اجتماعی گرایش می‌یابد (ابوالپور، 1392: 36).

هیرشی بر این عقیده است که انحراف زمانی حادث می‌شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شود یا از هم گسیخته باشد. در واقع او معتقد است که انحراف وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود، یا به طور کلی از بین برود (جهانگیری و غلامزاده نطنزی، 1390: 136-137). این قیود را تحت چهار عنصر کلی دلبستگی، تعهد، مشارکت، باور و اعتقاد خلاصه می‌کند و هر عنصر یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است تا زمانی که فردی به گروه‌های عادی جامعه ارتباط دارد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند ولی اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شد، احتمال منحرف شدن افزایش می‌یابد (ممتاز، 1381: 123-120).

همچنین اگنیو انحراف را نتیجه مستقیم تأثیرگذاری منفی خشم، ناکامی و احساسات مضر و زیان‌آور می‌داند که به دنبال مناسبات اجتماعی مخرب و منفی به وجود می‌آید (سیگل، 1998: 179؛ به نقل از علیوردی‌نیا، ریاحی و موسوی چاشمی، 1386: 91) منابع فشار از نظر اگنیو عبارتند از: 1- فشار ایجاد شده به خاطر عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت در نتیجه 2- حذف انگیزه‌های ارزشمند مثبت در افراد 3- فشار در اثر وجود انگیزه‌های منفی (سیگل، 2001: 206؛ علیوردی‌نیا و همکاران، 1386: 91-92؛ مبارکی، 1384: 78). در نهایت بنابر استدلال اگنیو افرادی که در معرض فشار مکرر قرار دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که اعمال بزهکارانه را مرتکب شوند (دلپسند و همکاران، 91: 99).

همچنین میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است به نظر هیرشی کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه دارند. در عین حال به نظر او همین مشارکت، فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او، بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو، آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه

مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست یازیدن به رفتارهای کجروانه می‌یابند (ناصری پلنگرد، محمدی، دوله و ناصری، 1392: 89).

کلوتردواهلین نیز معتقد است که بزهکاری از نظر اجتماعی به صورت خرده فرهنگ بزهکار نمایان می‌شود و همانطور که در خرده فرهنگ بهنجار فرصت‌های مشروع وجود دارد در خرده فرهنگ بزهکار نیز فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف‌های فرهنگی دیده می‌شود (ناصری پلنگرد و همکاران، 1392: 87).

بنابراین مسلم است که عوامل فرهنگی و اجتماعی در بازگشت زندانیان به زندان مؤثر است لذا هدف اصلی زندان اصلاح و تربیت مجرم می باشد در غیر این صورت اگر فقط تنبیه مبنا قرار گیرد، زندان مفهومی نخواهد داشت. چرا که فرد مجرم پس از زندان مجدداً همان بزه خود را با شدت بیشتری تکرار خواهد کرد زیرا ترساندن و یا برخورد‌های فیزیکی، دور نگهداشتن فرد بزهکار از جامعه به تنهایی نمی‌تواند از عمل مجرمانه در جامعه جلوگیری کند. جامعه‌شناسان معتقدند در اجرای مجازات فرد بزهکار، بایستی حالت ترمیمی بودن مجازات مدنظر قرار گیرد. یعنی علاوه بر تنبیه، باز اجتماعی شدن فرد و اصطلاحاً، اصلاح و تربیت مدنظر باشد، تا فرد مجدداً مرتکب جرائم یا بزه نشود. در نتیجه بحث اصلاح و تربیت و یا در واقع جامعه‌پذیر کردن محکوم جهت بازگشت به اجتماع و پیشگیری از تکرار جرم، و عجین کردن فرد با ارزش‌های جامعه از سوی دیگر، ایجاد شیوه مناسب از طریق خانواده و جامعه... با حمایت‌های و مراقبت‌های لازم در جهت پذیرش فرد پس از آزادی می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود برای عدم بازگشت افراد به زندان اقداماتی از این قبیل انجام داد:

- تقویت برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌ها برای پیشگیری از جرم و بزه؛
- آموزش مفاهیم کیفری برای آگاهی بیشتر و آشنایی کامل با قوانین قضایی به خصوص بخش‌هایی از آن که با زندگی اکثریت جامعه در ارتباط نزدیک و روزمره می‌باشد؛

- تقویت گرایش‌های مذهبی به روشی که بوی نصیحت و موعظه ندهد و بتواند همگان را به اصول و رعایت مقررات دینی دعوت سازد؛
- بر نقش خانواده در پرورش اجتماعی تأکید شود و نیز به همان اندازه نقش مسئولیت‌ها، مشارکت و همکاری جوانان در جامعه تأیید و تصدیق گردد؛
- پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان، و نهادهای رسمی و غیررسمی و جلوگیری از طرد آنها انجام شود؛
- ارائه خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد خروج، حذف برچسب رسمی و غیررسمی از زندانیان آزاد شده صورت گیرد.

- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری فر، محمدرضا؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد و موسوی اصل، مهدی (1390). روان‌شناسی اجتماعی (بانگرس به منابع اسلامی). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- آشوری، محمد (1385). جایگزین‌های زندان یا مجازاتی بینابین. تهران: نشر گرایش، چاپ اول.
- آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌های کشور مصوب 1384/9/20 (1386). تهران: انتشارات راه تربیت، چاپ دوم.
- ابراهیمی قوام، صغری (1370). هنجاریایی سه مفهوم حمایت اجتماعی، منبع کنترل و عزت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ابولپورهمایی، حسین (1392). بررسی عوامل مؤثر بر امید به بازگشت به جامعه در بین زندانیان جوان زندان بندرعباس. فصلنامه دانش انتظامی هرمزگان، 8(4)، صص 35-63.
- انصاری، اسماعیل (1379). مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی. فرهنگ رسانه. شماره 6، صص 36-39.
- باوی، ساسان (1383). بررسی رابطه بین خود بیمارانگاری و حمایت اجتماعی در بین زنان و مردان شهرستان اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
- بهروان، حسین و بهروان، ندا (1390). تبیین جامعه‌شناختی بازگشت به زندان با تأکید بر نظریه برچسب. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، 9(1)، صص 33-61.
- جهانگیری، پرویز و غلامزاده نطنزی (1390). بررسی رابطه بین کنترل اجتماعی و گرایش به سوء مصرف مواد مخدر در جوانان. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، 4(26)، صص 130-155.
- حاتمی خواجه، ن (1386). جامعه‌پذیری زندانیان. مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات، تهران: انتشارات راه تهران.
- حسن‌پور، آرش و معمار، ثریا (1394). مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خود مرجع. تحقیقات فرهنگی ایران، 8(3)، صص 100-131.
- خباز، محمود؛ بهجتی، زهرا و ناصری، محمد (1390). رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله، با تاب‌آوری در پسران نوجوان. 5(4)، (پیاپی 20)، صص 108-123.
- دلپسند، کامل؛ ایار، علی؛ خانی، سعید و خان محمدی، پری (1391). حمایت اجتماعی و جرم: مطالعه تطبیقی جوانان مجرم و عادی شهر ایلام. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، 1(2)، صص 89-120.

- رابرتسون، یان (1377). درآمدی بر جامعه. ترجمه حسین بهروان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زارعی، یوسف (1389). بررسی عوامل اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر همدان (با تأکید بر عامل خانواده، اولیای مدرسه و گروه دوستان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور دانشکده علوم انسانی؛ رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی.
- سراج‌زاده، حسین (1378). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولارشدن. نمایه پژوهش، 3(9 و 10)، صص 105-118.
- شمس، علی (1382). رویکردی جدید به نظام زندانبانی بازگشت سعادتمندانه. تهران: انتشارات راه تربیت.
- صادقی، آقا؛ مسن‌آبادی، اعظم و سگری، مصطفی (1389). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر میزان سلامت روان و سازگاری همسران زندانیان. اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان مرکزی. <http://www.markaziprisons.ir>
- صدری مقدم، محمداقبر (1394). بیماری‌های زندانیان در زندان. اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تهران. <http://tehranprisons.ir>
- طباطبائی‌راد، جواد (1391). نقش کارکردهای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها در اصلاح و تربیت مجرمان. اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان خراسان جنوبی. <http://www.khorasangprisons.ir>
- علیوردی‌نیا، اکبر، ریاحی، محمداسماعیل و موسوی چاشمی، ملیحه (1386). مطالعه جامعه‌شناختی بزهکاری: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی آگنیو. مجله جامعه‌شناسی ایران، 8(2)، صص 83-111.
- غفاری فر، حسن (1389). نظارت و کنترل اجتماعی. فصلنامه کتاب زنان، 17، صص 90-121.
- قربانی، اسماعیل و فیض‌آبادی، حسین (1393). واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، 1(3)، صص 98-119.
- کفاشی، مجید و اسلامی، عنایت (1388). بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، 2(4)، صص 58-69.
- گیدنز، آنتونی (1386). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ 19.
- مبارکی، محمد (1383). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم. پایان‌نامه کارشناسی رشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی.
- محتشم، صدرالله (1394). در برچیدگی یک لبخند (بررسی وضعیت نشاط در بوشهر) قسمت 5. یادداشت‌های صدرالله محتشم. <http://sadr1000.blogfa.com/post/212>

- مشکاتی، زهرا (1377). آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ. مجله دانشکده پزشکی، 3، صص 78-84.
- ممتاز، فریده (1381). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- موسی‌زاده، عبدالناصر (1385). بررسی عوامل بازگشت مجدد به زندان در استان کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مهدوی، رمضان و پاکیده، فضل‌الله (1387). بررسی علل و عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد به زندان. ماهنامه اصاح و تربیت، 7(82)، (پیاپی 167)، صص 13-18.
- ناصری پلنگرد، سهیلا؛ محمدی، فریبا؛ دوله، معصومه و ناصری، محبوبه (1392). عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، 4(16)، صص 83-94.
- وطن‌خواه، حمیدرضا (1379). بررسی ارتباط نظام ارزشی دینی با سازگاری اجتماعی جوانان 18-25 ساله. نامه قم، شماره 11 و 12، صص 241.
- Gresham, F. M., Van, M. B., & Cook, C. R. (2006). Social skills training for teaching replacement behaviors: Remediating acquisition deficits in at-risk students, <http://www.Proquest.com>.
- Hoffmann, J. P. (2003), A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency, *Social Forces*, 81(3): 753-758.
- Khorram, M., Noori Boldaji, A & Houseinia, S. (2015). Role of cultural plans in preventing return to prison. *Advanced Social Humanities and Management* 2(3):49-52.
- Sakir, O.; Aydin, E.; Remzi, O.; Yasar, T. & Suleyman, G. (2005), Juvenile Delinquency in A Developing Country: A Province Example in Turkey, *International Journal of Law and Psychiatry*, 28, 430-441.
- Sanei, M., Mir-Khalili, S (2015). Factors affecting recidivism and return to prison male prisoners in the prisons of the west of Guilan and strategies for prevention. *Journal of Scientific Research and Development* 2 (2): 156-161.

